

و در دانشگاه آزاد اسلامی نقش به سزایی داشت. ۱۰ سال پس از پیروزی انقلاب، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شد، تا از این موضع اداری بتواند تأثیرات بیشتری بر جای بگذارد. دکتر غلامعباس توسلی؛ بر اساس آنچه اهل نظر می گویند، از نظر علمی در ردیف کسانی قرار دارد که جامعه شناسی را خوب فهمیده اند و جامعه شناس علمی واقعی هستند. حدود ۲۰ عنوان کتاب علمی ارزشمند تالیف و یا ترجمه کرده است، بیش از ۶۰ مقاله پژوهشی در نشریات معتبر داخلی و خارجی از او به چاپ رسیده است.

سخن از مقاله به میان آمد، باز هم یکی از خاطرات بنده با دکتر توسلی زنده شد. در سال ۵۵، به اتفاق یک از دوستان دانشگاهی ام، برای ارائه یک مجموعه مقالات پیرامون اعتقاد به توحید و تأثیر آن در زندگی انسان، فهرستی ۲۰ نفره را از علما و اندیشمندان مذهبی و مبارز کشور که مورد قبول جامعه دانشگاهی بود، تهیه کردیم تا در ارتباط با آنان، درخواستمان را برای نوشتن مقاله مطرح کنیم. این فهرست با راهنمایی استاد شهید مرتضی مطهری، برحسب تخصص هر کدام از اساتید، تنظیم شد.

یکی از این شخصیت های علمی و مبارز، دکتر غلامعباس توسلی بود، که درخواستمان از او نوشتن مقاله ای در موضوع «توحید در جامعه از نگاه جامعه شناسی» بود. همان موقع در دانشکده علوم اجتماعی به دیدارش رفتیم و خواسته مان را با استاد در میان گذاشتیم. او هم با محبت آن را پذیرفت و وعده داد که تا فلان تاریخ آن را خواهد نوشت. به موقع مقاله سودمندی به عنوان «جهان بینی، ساخت فکری و نگرش توحیدی» را به ما تحویل داد که با چند مقاله از اساتید دیگر مانند مقام معظم رهبری، مرتضی مطهری، مجتهد زنجانی، دکتر سید محمد حسینی بهشتی و سید ابوالفضل موسوس، در کتابی به نام «دیدگاه توحیدی» به سال ۱۳۵۶ توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شد و مورد استقبال اهل مطالعه که در آن سال ها بسیار زیاد بودند و مطالعه کتاب های مذهبی و سیاسی رونق فراوان داشت، قرار گرفت.

درباره مرحوم دکتر توسلی بسیار باید گفت و نوشت. از محرومیت هایی که به دلیل همراهی اش با اعضای اصلی نهضت آزادی ایران داشت و بر او تحمیل شد، از نامهربانی هایی که به دلیل داشتن روحیه انتقادی با او روا داشته شد و از قدر ناشناسی دولتمردان که نصیب این دانشمند آزادیخواه و متعهد کردند.

باور کردنی نیست اما در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد، چهره ماندگار جامعه شناسی ایران را که اولین رئیس انجمن جامعه شناسی ایران بود از دانشگاه تهران اخراج کردند. با این همه او هرگز دست از رفتار مردمی و تأکید بر خواسته های انسانی خود برنداشت تا زمان پروازش فرا رسید.

دکتر غلامعباس توسلی در روزی که به ملکوت اعلی پرواز کرد، به دلیل شرایط تحمیلی ناشی از تسری بیماری کرونا، علاقه مندان و دوستدارانش نتوانستند در مراسم تشییع و بزرگداشت یاد او شرکت کنند و پیکر روان شاد، غریبانه به خاک سپرده شد.

زادگاه هم علاقه مندم، اطلاعات خوبی از آنجا دارم. گفت: «باید برای من جزوه ای بنویسی و هر چه اطلاعات از شهر نجف آباد، مردمش و مشاغل آنجا، وضع فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی اش داری در آن شرح دهی.» مدت زمانی را هم برای من تعیین کرد. بنده هم در آن مدت زمان، کتابچه ای برایش تهیه کردم که حاوی مشاهدات، آموخته ها و اطلاعات دریافتی از دیگران بود. آن را به موقع تحویلش دادم و رونوشتی از آن را هم نزد خود نگه داشتم. دکتر توسلی در سال ۱۳۵۰، خود را به دانشگاه تهران منتقل کرد. او به دلیل موفقیت در مسئولیت هایی که در موسسه مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران به عهده اش بود، مورد توجه استادان جامعه شناسی قرار گرفته و با انتخاب آنان مدیر گروه جامعه شناسی دانشکده تازه تأسیس علوم اجتماعی دانشگاه تهران شد. این مسئولیت تا آن موقع در اختیار دکتر صدیقی بود که پس از بازنشستگی، به عهده دکتر توسلی نهاده شد.

در آن شرایط فضای سیاسی ایران، رو به تلاطم گذاشته بود. از آن پس دکتر توسلی که در سال ۱۳۴۵، به عضویت تشکیلات نیمه مخفی نهضت آزادی ایران درآمده بود، آرام و قرار نداشت و گام به گام با بنیانگذاران نهضت آزادی، یعنی آیت اله طالقانی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سحابی و دیگر اعضاء برجسته این تشکل ماندگار پیش آمد و با در دست داشتن سررشته بعضی از کارهای تشکیلاتی، بدون تمایلات شهرت طلبانه فعالیت کرد و پیش رفت.

دکتر توسلی که یک جامعه شناس برجسته از میان طبقات محروم و رنج دیده جامعه خود بود و روحیه انتقادی بالایی داشت، در جریان مبارزات طولانی مردم ایران علیه حاکمیت ظلم و خفقان و استبداد، آگاهانه و جوانمردانه در بیدار کردن نسل جوان و به خصوص دانشجویان دانشگاه ها تلاش می کرد و با سخنرانی های خود نقش روشنگرانه خویش را به درستی ایفا می کرد. اگر چه در آن بحبوحه سیاسی و احساسی تاریخ ایران، استادان جامعه شناسی دانشگاه ها اعم از چپ و مذهبی برای القای نظرات علمی و سیاسی خود به دانشجویان فعال بودند، ولی سرآمد آنان، استادان مذهبی؛ دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه تهران، همچون دکتر علی شریعتی و دوست خراسانی او از دوران تحصیل در دانشسرای عالی تهران و دانشگاه سوربن فرانسه، دکتر غلامعباس توسلی بودند، که یکی با شور و هیجان بیشتر و یکی هم با آرامش ظاهر و آتش درون به آنچه وظیفه خود می دانستند عمل می کردند.

پس از پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷، با وجود این که بعضی از همفکران و همزمان دکتر توسلی، به طور موقت بر سکوی مسئولیت های چشمگیر ایستادند، او بدون هیچ سهم خواهی به فعالیت های علمی و روشنگرانه خود ادامه داد و اگر مسئولیت کوتاه مدتی هم گرفت؛ ریاست دانشگاه اصفهان بود که با افول مسئولیت های اجرایی اعضای نهضت آزادی ایران، آن را هم وا گذاشت و به دانشگاه تهران بازگشت. در دانشگاه تهران برای علم و اندیشه جامعه شناسی دل سوزاند، و برای ارتقای جایگاه این رشته مهم دانشگاهی از پای نایستاد. در ایجاد دکترای جامعه شناسی در دانشگاه تهران، در دانشگاه تربیت مدرس

دکتر غلامعباس توسلی؛
بر اساس آنچه اهل نظر می گویند، از نظر علمی در ردیف کسانی قرار دارد که جامعه شناسی را خوب فهمیده اند و جامعه شناس علمی واقعی هستند

